

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

بیانیه تحلیلی درسی از ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

هموطنان عزیز

ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در میان هیاهو و تبلیغات بی‌محتوای حاکمیت با اعلام انتخاب مجدد آقای هاشمی رفسنجانی به پایان رسید و اینک زمان آن است که در آرامش به ارزیابی زمینه‌ها و درسی که از آن گرفته می‌شود بپردازیم، ضمن آن که از هموطنان عزیز به خاطر این که در اثر محرومیت‌ها و مشکلات فراوان موفق نشده‌ایم که به موقع و زودتر از این اظهارنظر کنیم، پوزش می‌خواهیم. نهضت آزادی ایران در بیانیه‌های متعدد خود درباره انتخابات اخیر، با تفصیل کافی در مورد شرایط و عوامل لازم برای برگزاری انتخابات آزاد و معتبر، سخن گفته است ولی در این جا نیز لازم دیدیم که برخی از موارد کلیدی را یادآور شویم.

۱- آزادی انتخابات تنها در محدوده زمانی بین اعلام اسامی کاندیداها تا پایان رای‌گیری خلاصه نمی‌شود، بلکه ضرورت دارد که در تمام مدت بین دو دوره متوالی انتخابات، برای کلیه احاد ملت، از جمله شخصیت‌های سیاسی که می‌توانند داوطلب ریاست جمهوری یا نمایندگی مجلس باشند، این امکان وجود داشته باشد که آزادانه و بدون واهمه از تهاجمات و تهدیدهای فیزیکی یا تبلیغات انحصاری یکطرفه، نظرات خود را درباره عملکرد مسئولان و دستگاه‌های مملکت و نیز پیشنهادهای و برنامه‌هایشان را برای اصلاح امور و اداره کشور به آگاهی ملت برسانند تا مردم در زمان برگزاری انتخابات، شناخت کافی نسبت به شخصیت، عملکرد گذشته و برنامه‌های آینده کاندیداها داشته باشند و بتوانند با دید باز و آگاهی کامل آرای خود را به صندوقها بریزند.

در وضعی که رسانه‌های اصلی و موثر مانند صدا و سیما و روزنامه‌های کثیرالانتشار و نیز بلندگوها و تریبون‌هایی که در انحصار حاکمیت است، مستمراً و به طور یک جانبه به تعریف و تمجید

رئیس جمهور و حکومت می‌پردازند و مخالفان امکانی برای نقد و اظهارنظر ندارند یا در صورت انتقاد، در معرض تهدید و ضرب و شتم قرار می‌گیرند، چگونه می‌توان از برگزاری انتخابات آزاد و برابر بودن شرایط و امکانات تبلیغ برای کاندیداها سخن گفت؟

۲- با وجود آن که بر اساس قانون اساسی، قانون احزاب سالها پیش به تصویب مجلس رسیده و آیین‌نامه اجرایی آن نیز توسط دولت تصویب و به وزارت کشور ابلاغ شده است، حاکمیت ما تا امروز از اجرای واقعی قانون احزاب طفره رفته و آن را به صورت نمایشی در حد صدور پروانه فعالیت برای معدودی واحد صنفی، فرهنگی و دینی عمدتاً ناشناس یا ۲-۳ گروه سیاسی طرفدار حاکمیت اجرا کرده است. حتی برخی از مسئولان مدعی شده‌اند که با وجود ولایت فقیه و روحانیت منسجم، وجود احزاب نه تنها غیر ضروری، بلکه مخل وحدت نیز است و مردم علاقه و تمایلی به عضویت در احزاب ندارند. تجربه کشورهای مختلف با رژیمهای سیاسی گوناگون ثابت کرده است که بدون وجود احزاب و گروههای سیاسی واقعی (یعنی غیرساختگی و غیردولتی) و فراهم بودن امکانات رقابت سالم و تبلیغ و فعالیت آزاد آنها، امکان مشارکت جدی مردم در زندگی سیاسی جامعه و برقراری ثبات سیاسی پایدار وجود ندارد.

۳- دست‌چین شدن کاندیداها توسط شورای نگهبان در واقع بها ندادن به قدرت تشخیص ملت (که رهبر فقید انقلاب رأی آن را «میزان» اعلام کرده بودند) و محروم کردن مردم از حق انتخاب کاندیداهای مورد نظرشان است.

بر طبق اعلام وزارت کشور، در انتخابات اخیر ۱۲۸ نفر ثبت نام کرده بودند ولی فقط چهار نفر از آنان صالح تشخیص داده شدند و در مورد بقیه حتی از ذکر نام آنان و دلائل رد صلاحیتشان برای مردم یعنی صاحبان اصلی کشور و انقلاب و به قولی ولی نعمتان مسئولان و دولتمردان فعلی خودداری شد و هیچ مقامی برای مردم توضیح نداد که چرا از میان ۱۲۸ داوطلب فقط چهار نفر، نه کمتر و نه بیشتر؟ گفته می‌شود که شاید علت محدود کردن کاندیداها به چهار نفر این بوده است که چون نرم‌افزار کامپیوتری شمارش آراء از آمریکا خریداری شده بود، کارتهای انتخاباتی نیز برای هماهنگی با نرم افزار خریداری شده، مانند کاتهای مربوط به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که فقط دارای ۴ محل (برای دو کاندیدای

ریاست جمهوری و دو کاندیدای معاونت) است، قبل از اعلام نظر شورای نگهبان طراحی شده و لذا اجباراً فقط چهار نفر گزینش شده‌اند.

۴- با توجه به این که هیچ گونه نظارتی بر جریان رأی گیری و شمارش و قرائت آراء از سوی مخالفان و مردم و حتی نامزدهای انتخابات اعمال نشده، هرگونه ادعایی از جانب حاکمیت یک جانبه و فاقد اعتبار لازم است.

اظهارنظر درباره اعتبار و ارزش انتخابات

با جمع بندی موارد فوق و صرفنظر از نکاتی که بعداً ذکر خواهد شد، ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری حداقل بنا به دو دلیل زیر فاقد اعتبار قانونی بوده و نمی‌تواند انتخاباتی آزادانه و دمکراتیک تلقی شود:

۱- دخالت شورای نگهبان در تشخیص صلاحیت و تعیین نامزدها به جای ملت

۲- تداوم و تکرار عدم حضور و فعالیت احزاب و شخصیت‌های غیر موافق با حاکمیت، به خاطر عدم تأمین امنیت و آزادیها و امکانات قانونی.

ارزیابی نتایج انتخابات و درسی که می‌توان از آن گرفت.

ما برای آن که تصویری واقعی و منصفانه از سیر تحول انتخابات و از جمله میزان مشارکت مردم و موقعیت برنده انتخابات در دوره‌های ششگانه به دست دهیم، بر اساس مطالعات و تحقیقات انجام یافته درباره جمعیت کشور و تعداد واجدین شرایط رأی دهی و نیز آمارهای اعلام شده از سوی وزارت کشور در مورد تعداد آرای اخذ شده و تعداد آرای نفرت اول انتخابات ریاست جمهوری در هر دوره جدولی تهیه کرده‌ایم که به پیوست ملاحظه می‌فرمایید.

با بررسی جدول ضمیمه، حتی به فرض آن که:

الف- ارقام اعلام شده در مورد تعداد آرای اخذ شده (علی رغم خلوتی چشمگیر حوزه‌های رای‌گیری)، تعداد آرای نامزدان و تعداد آرای باطل شده کاملاً صحت داشته و هیچ گونه رأی اضافه بر تعداد شرکت کنندگان به صندوق ریخته نشده باشد،

ب- کلیه کارتها به کامپیوتر داده شده و در شمارش آراء و اعلام نتایج اشتباهی رخ نداده باشد،

ج- برای رأی دادن، انگیزه‌ها و عواملی از قبیل نگرانی و ترس از محروم شدن از حقوق قانونی مانند پذیرفته‌شدن در دبیرستان یا دانشگاه، اخذ گذرنامه یا اجازه خروج و دریافت کوپن ارزاق یا محظوره‌های اخلاقی و اجتماعی، به ویژه در محیط‌های کوچک و همچنین ترس از آخرت (به خاطر عدم اجرای تکلیف شرعی) وجود نداشته است،

می‌توان موارد زیر را استنتاج کرد:

۱- علی‌رغم به کار گیری همه امکانات، ابزارها و ترفندهای شرعی و عرفی و برخلاف ادعای حاکمیت مبنی بر این که مشارکت مردم در انتخابات از همیشه گسترده‌تر بوده و مردم با رأی خود مسئولان را تایید کرده‌اند، در صد مشارکت مردم در انتخابات (کمتر از ۵۱ درصد واجدین شرایط و ۲۸ درصد جمعیت کشور) و میزان مقبولیت برنده انتخابات (در حدود ۶۳ درصد کل آرا) در مقایسه با دوره‌های گذشته افت چشمگیری داشته است.

۲- با توجه به این که آقای هاشمی رفسنجانی بنابر اذعان مکرر خودشان، از جمله در خطبه‌های نماز جمعه، نقش اساسی و تعیین کننده در کلیه جریانهای سیاسی مملکت در سالهای پس از پیروزی انقلاب و از جمله در اداره جنگ، تعیین و هدایت سیاست خارجی و سایر مسائل کلیدی داشته‌اند، رأی مردم به ایشان که کمتر از دو سوم کل آرای اخذ شده و کمتر از یک سوم تعداد صاحبان حق رأی بوده و حتی در مقایسه با آرای مربوط به دور اول ریاست جمهوری ایشان نزول آشکاری (۳۷٪ تنزل) داشته است، در واقع بیانگر قضاوت مردم درباره عملکرد ۱۴ ساله ایشان (نه فقط کارنامه دوره اول ریاست جمهوری) بوده است و به نوعی، پاسخ همه‌پرسی (رفراندوم) درباره حاکمیت کنونی محسوب می‌شود.

۳- شاید مهمترین دلیل عدم مشارکت و دلسردی مردم را بتوان فقدان امید آنان نسبت به آینده دانست. هنگامی که آقای هاشمی برای بار اول نامزد ریاست جمهوری شدند، با تصویری که نسبت به اعتدال و واقعگرا بودن مشارالیه و تاکیدشان بر حاکمیت قانون و بر استفاده از تخصص و کاردانی در نهن‌ها وجود داشت، این امید در قشرهایی از مردم و از جمله در برخی از تکنوکراتها (فن سالاران) و تحصیل‌کرده‌های داخل و خارج کشور پدید آمد که با انتخاب ایشان دوره چپ‌رویها، افراط کاریها، غوغاسالاریها و بی‌قانونیها خاتمه یافته و تعقل و متانت و آزادی جای آنها را خواهد گرفت. متأسفانه با

حل نشدن و بلکه بالا گرفتن بحرانهای سیاسی و اقتصادی و گسترش فساد مالی در زمان تصدی چهارساله آقای هاشمی، این امید با یاس مبدل شد و لذا در زمان انتخابات اخیر، شور و شوقی برای انتخاب مجدد ایشان در مردم وجود نداشت. از طرف دیگر، چون سه کاندیدای دیگر نیز علاوه بر گمنامی نسبی، هر یک به گونه‌ای با حاکمیت پیوند داشتند و در تبلیغات انتخاباتی‌شان نشانه‌ای از احتمال تغییر اساسی در سیاستهای جاری مملکت به چشم نمی‌خورد، مردم فاقد انگیزه‌ای قوی برای انتخاب فردی جدید بودند. با وجود این، مشاهده شد که بیش از ۶ میلیون نفر از رأی دهندگان که خود را موظف به شرکت در انتخابات می‌دانستند به نامزدهایی که اطلاع بسیار کمی درباره آنها داشتند، رأی دادند. جالب این جاست که در کردستان بیشترین آراء به نفع آقای توکلی که پیوند خاصی هم با آن استان ندارد، داده شد. احتمالاً مردم رنج‌دیده و تشنه امنیت کردستان به صرف مخالفت با کاندیدایی که هم به زعم آنها و هم به اعتراف خودش همه‌کاره بوده است، به کاندیدای دیگری که او را نمی‌شناخته‌اند ولی به آنان امید برقراری آرامش و امنیت داده بود، رأی دادند.

اگر در چهار سال گذشته آزادی فعالیت سیاسی وجود می‌داشت و به مخالفان واقعی شناخته شده نیز امکان شرکت در رقابت انتخاباتی داده می‌شد بدون شک میزان مشارکت مردم به مراتب افزایش می‌یافت و اگر چه درصد آرای آقای هاشمی به طور قابل ملاحظه‌ای کاسته می‌شد، چه بسا اکثریت رأی‌دهندگان به این جمع‌بندی می‌رسیدند که باز هم ایشان بهترین انتخاب ممکن در شرائط موجود بوده‌اند. در آن صورت، صرف‌نظر از تعداد آرای که به آقای هاشمی داده می‌شد، اعتبار و مشروعیت انتخابات مخدوش نمی‌گردید.

از آن جا که آرزوی همیشگی ما استحکام نظام و سرافرازی جمهوری اسلامی ایران از طریق استقرار حاکمیت ملت و دستیابی واقعی به آرمانهای والای انقلاب یعنی آزادی، استقلال و حکومت اسلامی بوده است، دلسردی و بی‌تفاوتی مردم و ضعیف شدن پشتوانه مردمی رئیس‌جمهور و مسئولان نه تنها ما را خوشحال نمی‌کند، بلکه آنها را نشانه‌های تلخ و نگران‌کننده‌ای برای آینده ملک و ملت می‌دانیم و از این که دست اندرکاران مملکت بدون اعتنا به افکار عمومی و به توصیه‌ها و هشدارهای خیرخواهانه دوستداران صدیق اسلام و ایران همچنان بر ادامه سیاستهای خود، ولو به قیمت از دست

رفتن حیثیت اسلام و آزادی و آبادی میهن و افزایش روز افزون مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، پای می‌فشرند، خون دل می‌خوریم.

میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری و آرای برندگان انتخابات

آرای برندگان انتخابات درصد				آرای اخذ شده			صاحبان حق رای		جمعیت (۱) میلیون نفر	زمان دوره	
نسبت به جمعیت	نسبت به تعداد صاحبان حق رأی	نسبت به کل آراء	تعداد (۴) میلیون نفر	نسبت به جمعیت %	نسبت به تعداد صاحبان حق رأی %	تعداد میلیون نفر	نسبت به جمعیت %	به تعداد (۲) تقریبی میلیون نفر			
۲۸	۵۶	۷۵/۹	۱۰/۷	۳۶/۹	۷۳/۸	۱۴/۱	۵۰	۱۹/۱	۳۸/۳۰	بهن ۵۸	۱
۳۱/۹	۶۴/۶	۸۸/۳	۱۲/۸	۳۶/۱	۷۳/۲	۱۴/۵	۴۹/۴	۱۹/۸	۴۰/۱	مرداد ۶۰	۲
۳۹/۶	۷۹/۹	۹۵/۲	۱۵/۹	۴۱/۶	۸۳/۹	۱۶/۷	۴۹/۶	۱۹/۹	۴۰/۱	مهر ۶۰	۳
۲۸/۲	۵۷	۹۲/۹	۱۳/۱	۳۰/۳	۶۱/۳	۱۴/۱	۴۹/۵	۲۳	۴۶/۵	مرداد ۶۴	۴
۲۷/۸	۵۱	۹۴	۱۵/۴	۲۹/۶	۵۴/۲۵	۱۶/۴	۵۴/۵	۳۰/۲	۵۵/۴	مرداد ۶۸	۵
۱۷/۴	۳۲/۱ (۳۵/۹)	۶۳/۱	۱۰/۶	۲۷/۵	۵۰/۹ (۵۶/۹)	۱۶/۸	۵۴ (۴۸/۴)	۳۳ (۲۹/۵) (۳)	۶۱	خرداد ۷۲	۶

(۱)- بر اساس سرشماریهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و در نظر گرفتن رشد جمعیت به نرخ ۳/۵ تا ۳/۸ درصد در سالهای مختلف.

(۲)- بر اساس تحقیقات به استثنای ردیف زیر

(۳)- بر طبق اظهارات وزیر کشور (کیهان ۷۲/۴/۳) که در مقایسه با سایر ارقام قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

(۴)- اعلام شده توسط وزارت کشور

جناب آقای هاشمی

به هر تقدیر، اینک شما بار دیگر بر مسند ریاست جمهوری ایران تکیه زده‌اید، ولی با پشتوانه‌ای ضعیفتر از گذشته و مواجه با بحرانهای روبه رشد اقتصادی، عمیقتر شدن فاصله طبقاتی، فشار روزافزون بر اقشار کم درآمد از جمله کامندان، کارگران، کشاورزان و پیشه‌وران، ازدیاد فساد مالی و اداری، گسترش نارضایتیها، افزایش وامهای کوتاه مدت خارجی با بهره‌های سنگین، رکود کم‌سابقه در مراکز تولید صنعتی و....

آیا شما در وضع فعلی قادر خواهید بود که کابینه‌ای بهتر از قبل معرفی کنید؟ وضع فعلی، همه علاقه‌مندان به ایران و اسلام را نگران آینده ساخته است و مردم نمی‌دانند که شما خودتان و مملکت را به کجا می‌خواهید ببرید آیا باز هم می‌خواهید با بی‌اعتنایی به قانون، به آشفتگی و شورش و توفانهای سهمگین میدان دهید و بحرانها را تشدید کنید؟

مردم انتظارات زیادی دارند. آنها آزادی، امنیت، مسکن، و رهایی از فقر و تنگناهای شدید اقتصادی را طلب می‌کنند و متأسفانه امیدی ندارند که شما بتوانید این انتظارات را برآورده سازید.

از آن جا که ما با شما نه جنگ قدرت، بلکه حجت داریم، بار دیگر مشفقانه به شما و سایر مسئولان هشدار می‌دهیم که تا خیلی دیر نشده است، صادقانه به سوی ملت، تمام ملت ایران و نه تنها اقلیت تابع خودتان، برگردید و صمیمانه کمر همت، به اجرا و استقرار قانون و اعاده حاکمیت مردم، که همان حاکمیت خداست، ببندید. باشد که به یاری خداوند بار دیگر بارقه امید در دلهای مردم دلیر و شرافتمند این سرزمین بدرخشد و در آینده شاهد مشارکت داوطلبانه و علاقه‌مندان مردم در انتخابات بدون نیاز به تبلیغ و نمایش و تکلیف و تهدید باشیم.

نهضت آزادی ایران

تیرماه ۱۳۷۲